

نهضت جنگله از آغاز تا پایان

۱۷ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۰۸

گیلان سرزمینی بر سر راه روسیه‌ی در جستجوی چیرگی بر ایران، به تهران پایتخت ایران بود. پس از جدایی قفقاز از ایران هم زبانی باشندگان قفقاز با باشندگان جنوب ارس و آشنایی آنان با فرهنگ و ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران، آن پاره‌ی واگذار شده به روسیه را دروازه‌ی گذر همه‌ی آن چه ساخته بود که از اروپا به روسیه می‌آمد و از روسیه راهی ایران می‌شد.

درباره قیام میرزا کوچک خان جنگلی مطالعات زیادی انجام شده و آثار مختلفی منتشر شده است. کتاب حاضر یکی از جدیدترین کتاب‌ها در این زمینه است. در مقدمه کتاب آمده است:

دو سه دهه‌ی نخست سده‌ی بیستم میلادی شاید دربردارنده‌ی شگفت‌انگیزترین سال‌های تاریخ بشر باشند. سال‌هایی که در آنها بزرگترین جنگ تاریخ تا آن زمان روی داد، سال‌هایی که در آنها اندیشه‌های سیاسی ستیزه‌گر جهان چون کمونیسم و فاشیسم و نازیسم پدیدار شدند، سال‌هایی که در آنها امپریالیسم جامه‌ای نو یافت. سال‌هایی که در آنها توانمندان سده‌ی نوزدهم مانند انگلیس و فرانسه و روسیه بر سر آسیبی که از جنگ بزرگ خوردند، میدان تاراج جهان برایشان تنگ شد، سال‌هایی که در آنها توانمندان دهه‌های پس‌تر مانند ایالات متحده بر پایه‌ی دستاوردهای خود در جنگ بزرگ و سستی‌های افتاده بر جان هم‌آوردانش در آن جنگ نخستین گام‌های خود را برای سروری و بزرگی فردا برداشتند.

گیلان سرزمینی بر سر راه روسیه‌ی در جستجوی چیرگی بر ایران، به تهران پایتخت ایران بود. پس از جدایی قفقاز از ایران هم زبانی باشندگان قفقاز با باشندگان جنوب ارس و آشنایی آنان با فرهنگ و ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران، آن پاره‌ی واگذار شده به روسیه را دروازه‌ی گذر همه‌ی آن چه ساخته بود که از اروپا به روسیه می‌آمد و از روسیه راهی ایران می‌شد.

روسیه در آن اندیشه بود که آذربایجان به سبب هم‌زبانی مردمش با مردم اران و شروان در کرانه‌ی باختری دریای کاسپی (جمهوری آذربایجان امروز) در درازای زمان از آن‌ها خواهد شد و بهتر است در اندیشه‌ی تلاش برای کشاندن پاره‌های دیگر ایران به سوی خود باشد و در آن میان سرزمین گیلان را که نزدیکترین پاره‌ی نشسته در کناره‌ی دریای کاسپی به روسیه بود، برگزید و در همه‌ی سده‌ی نوزدهم تلاش خود را ارزانی گستراندن داشته‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خود در گیلان کرد و در آغاز سده‌ی بیستم میلادی گیلانی‌ها به خوبی روس‌ها را می‌شناختند و با خوبی‌ها و بدی‌هایشان آشنا بودند.

گیلانی ها در انقلاب مشروطه هم بدی های روس ها را در آوای تیرهای قزاقان پشתיبان محمدعلی شاه شنیدند و هم خوبی هایشان را در لابلای برگ های روزنامه های برانگیزاننده ی قفقازی ها دیدند. گیلانی ها پیشرفت های نوین جهانی را در چمدان های روس هایی که می آمدند دیدند و داشته های خود را در همان چمدان ها دیدند که می رفتند. گیلانی و روس یکدیگر را خوب می شناختند. روس ها می دانستند که گیلانی گونه ای ویژه از مردم ایران است و می توان به او در پدیدآری هر دگرگونی دل بست.

... خیزش جنگل یکی از رویدادهای مهم بزرگ سده ی بیستم میلادی و شاید بزرگترین رویداد سیاسی گیلان در درازای تاریخش باشد. این خیزش هفت ساله نه تنها بسیاری از کسان از پاره های گوناگون ایران را به گیلان کشاند، چه آن که شماری از دل بستگان به آزادی و ستیزندگان با امپریالیسم و نوکران آنان و رویارویان با اندیشه های درافتاده با باورهای چیرگی جو بر مردم دردمند جهان را به گیلان کشاند، از انگلیسی تا آلمانی تا چک و روس و ترک و کرد و ارمنی و گرج و ترکمن قزاق و ازبک را.

این خیزش نمایش گر رشد اندیشه ی سیاسی در گیلان و توانایی رویارویی مردم گیلان و اندیشه شان با تلاش آنانی بود که به هر گونه در تلاش برای چیرگی بر مردم و داشته ها و خواسته هایشان بودند. غمگانه باید گفت که بسیاری کوشیده اند زمان و مکان و بدنه ی خیزش را مرزمند به یک نام نمایند، میرزا کوچک خان، بی آن که به چگونگی پدیدآیی آن، چگونگی بستر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی پدیدآورنده ی آن، چگونگی روند دگرگون گردنده ی آن در آن هفت سال، از آغاز تا پایان و چرایی پیوستن مردم لایه های گوناگون از زمین دار تا کشتکار و تا بازاری و از ژندارم گریخته از چهارچوبه ی سازمانی تا قزاق، به آن بیندیشد.

فصل اول: گیلان، از بازگشتن مشروطه تا آغاز جنگ جهانی اول

فصل دوم: خیزش جنگل، از آغاز تا برپاشدن تشکیلات کسما

فصل سوم: خیزش جنگل، از آغاز تشکیلات کسما تا بر دار شدن دکتر حشمت

فصل چهارم: خیزش جنگل، برپایی جمهوری شورایی گیلانی

فصل پنجم: خیزش جنگل از کودتا تا کودتا

فصل ششم: خیزش جنگل، بهار خیزش و خزان مرگ

فصل هفتم: گیلان، از مرگ میرزا کوچک خان تا فروافتی پادشاهی قاجار

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۱۴۰/پایان-آغاز-جنگ-نهضة/>